

## اجرای مجازات بصورت علنی

کامران پیرهادی

لازم به ذکر است که حضرت آیت... شاهرودی هنگامی که سکان هدایت نظام قضایی کشور را به عهده گرفتند و به نکته‌ای مهم اشارت فرمودند که در میان اندیشمندان آن زمان کمتر کسی را می‌توان نام برد که لفظ اصلاح قوانین و آسیب شناسی قوانین و دستگاه قضایی در بنیاد اندیشه هایشان ریشه دوانیده و اقدامات عملی را پیش گرفته باشند، اما ایشان خود چراغ هدایت را پیش روی نظام قضایی، با هدف روشن بینی فروزان نمود تا آرای فقه‌ای ایشان درباره احترام الهی به حقوق بشر و جایگاه والای انسان‌ها داعیه بنگاه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری وابسته به استکبار در این سو و آن سوی جهان را با باور آموزه‌های متعالی دین مبین اسلام درباره حقیقت وجودی انسان و کرامت واقعی او، چون حبابی نقش بسته بر آب جلوه دهد و امروزین بودن فتاوی فقیهان و عالمان نظام مقدس اسلامی کشورمان را به مثابه انسان محورترین قواعد و بینش‌های قضایی به اثبات رساند.

خوب به خاطر دارم که در جلسه شورای عالی توسعه قضایی در یکشنبه 6 بهمن 1381 آیت... شاهرودی فرمودند "فقه پویا مبنای توسعه قضایی است" و آن بزرگوار با اشاره به اینکه فقه پویای اسلامی با مدرن‌ترین تکنیک‌های حقوقی روز جهان قابل انطباق است گفتند: ما باید از نظریه‌های علمی، دستاوردها و تکنیک‌ها، تحولات و قوانین شکلی دیگر کشورها استفاده کنیم؛ اما اصل سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها باید برگرفته از فقه اصیل اسلامی، فرهنگ دینی و علم و دانش و فقه پویای شیعه باشد. مجازات اعدام بر اساس قوانین کشور مربوط به جرایم بسیار محدود و اجرای قاطعانه قانون مستلزم تدبیر صحیح قضایی است.

صدور بخشنامه اخیر (نهم بهمن 86) از سوی ریاست قوه قضائیه بیانگر نوگرایی نگاه ایشان به نیازهای روز حکومت اسلامی مبانی فقهی اهل بیت (ع) را عرضه داشته‌اند و باب نوینی را در اندیشه‌های فقهی جدید و متناسب با نیازهای روز جامعه اسلامی گشودند.

برخی صاحب نظران و اندیشمندان حقوق و قضا، چه در سطح داخل و چه خارج کشور تصور نمی کردند که آیت ا... هاشمی شاهرودی در قوانین قضایی کشور نیز دست به تغییرات اساسی بزند و قوانین کهنه و متروکی که دست و پاگیر سیستم قضایی کشور بود را با ارائه افکار نوین و بکر خود اصلاح کرده و نظریه توسعه قضایی را ارائه نماید و بتواند بر این اساس منشاء تغییر و تحولات اساسی در سیستم قضایی کشور باشد و ایشان با این ابتکار به اعتراف دوست و دشمن توانسته است فصل نوینی را در سیستم قضایی کشور باز نمایند.

نقد و بررسی ضرورت صدور بخشنامه توقف اجرای حکم اعدام در ملاء عام از دیدگاه فقهی و قوانین و مقررات کیفری ایران و مصالح نظام مقدس جمهوری اسلامی

ضرورت طرح موضوع:

بر مبنای قول معروف "حیاء العلم بالنقد و آل رد" ضروری است که در راستای مصالح اسلام و جامعه اسلامی به تحلیل جایگاه فقهی و قانونی اجرای مجازاتها در ملاء عام بپردازیم و آنرا مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

ما با رجوع به منابع معتبر فقهی و سنت به این نتیجه دست می یابیم که اصولاً در اسلام اجرای مجازاتها برای اصلاح مجرمان است و هدف ایجاد رعب و وحشت در جامعه نمی باشد. لذا وقتی به سیری پیامبر و امیرالمؤمنین رجوع می کنیم، می بینیم که ایشان از افرادی که می خواستند حدود الهی درباری آنها اجرا شود می خواستند که طوری اقرار نمایند که مجبور نشوند که حد را در جامعه اجرا کنند. هنگامیکه اقرار می کردند، از آنها می خواستند که توبه کنند. به طور مثال زنی خدمت امیرالمؤمنین می آید و تقاضا می کند که حد رجم را در مورد او اجراء کند. حضرت می فرمایند: من خدا نیستم که تو را پاک کنم؛ تو اگر توبه کنی خدا تو را پاک خواهد کرد، و این گونه بهتر است تا این که بخواهی آبرو و حیثیت از بین برود.

پس باید گفت که در اسلام هدف اصلی از اجرای مجازات‌ها اصلاح مجرم است. و توبه نیز که از ویژگی‌های مسایل جزایی اسلام است، همان اصلاح مجرم می باشد. و اگر فردی با رعایت شرایط خاص توبه کند دیگر مسأله مجازات برای او مطرح نمی شود.

اما باید توجه داشت که توبه معنای خاصی در اسلام دارد و آن اینکه انسان با توبه باید رابطی خودش را با خدا اصلاح کند. در قرآن کریم آمده است که: "الذین تابوا و اصلحوا" یعنی شخص باید هم توبه کند و هم عملاً خود را اصلاح کند.

لذا از نظر اسلام حفظ آبرو و حیثیت افراد جایگاه بسیار مهمی دارد و خصوصاً در مسایل مربوط به فحشاء اعتقاد بر این است که نباید اینگونه مسایل در جامعه پخش شوند. اما با وجود تأکید اسلام بر این امر متأسفانه امروزه در جامعه اسلامی ما بحثی مطرح شده است، با عنوان اجرای مجازات‌ها در ملاء عام و حتی مدتی نیز این طرح به اجراء گذاشته شد. و بعضی از مجازات‌ها علی الخصوص حدود به صورت علنی اجراء شدند که این امر احساسات و عواطف مردم عادی را برانگیخت و منجر به عکس العمل های شدیدی از سوی مردم، بعضی از دولتمردان، علماء و دانشگاهیان گردید. علاوه بر این در سطح بین المللی نیز واکنش های گسترده ای را در پی داشت و بسیاری از سازمان های حقوق بشری از جمله کمیسیون حقوق بشر، کمیته منع شکنجه، سازمان عفو بین الملل و بسیاری از NGO ها اعتراضات شدیدی را در این باره به جمهوری اسلامی ایران نمودند. زمینه سوء استفاده های بسیاری را برای دشمنان اسلام فراهم نمود.

در حالیکه اسلام تأکید اکید بر این امر دارد که در اجرای مجازات‌ها باید مصالح اجتماعی رعایت گردد و نمی توانیم به طور مطلق بگوییم که شما مجازات اسلامی را در هر جا و در هر شرایطی ولو اینکه به ضرر اسلام تمام شود، اجرا کنید. پس هدف از اجرای مجازات‌ها نیز مهم است. اگر هدف این باشد که نفعی به اسلام، مردم و جامعه برسد خوب است. اما اگر اجرای آنها منجر به این گردد که اسلام دچار وهن شود و نتیجه معکوس گرفته شود، در این جا اسلام می گوید که نباید این مجازات‌ها اجراء شود. اعم از اینکه حد باشد یا تعزیر دلیل ما نیز روایاتی است که از امیرالمؤمنین در این باره نقل شده است مبنی بر اینکه "لا یقام علی احد بأرض العدو" یعنی بر هیچکس در

سرزمین دشمن حد را اجرا نکنید و علتش چنین توضیح داده شده است که "...مخافه ان تحمله الحمیه فیلحق بالعدو" یعنی اینکه بیم این می رود که به جای اینکه با تنبیه کسی را اصلاح کنیم بدتر باعث می شویم که با اجرای حد از اسلام زده شده و به کفار و دشمنان بپیوندد.

در حقیقت حضرت معتقدند، که ممکن است دفع فاسد به افسد شود. به این ترتیب باید گفت که اجرای مجازاتها خصوصاً حد باید حساب شده باشد یعنی اگر می خواهیم حدی را جاری کنیم باید مصالح اسلام را در نظر بگیریم و الا اگر قرار باشد این مجازاتها به صورت علنی اجراء شود یا حد رجم در ملاء عام انجام شود و از آن فیلمبرداری کنند و سپس این فیلم در خارج از کشور علیه اسلام نشان داده شود و مردم را از اسلام متنفر کند نباید چنین اجازه ای را بدهیم.

ما باید مصلحت اسلام را در نظر بگیریم. اهمیت اسلام از اجرای یک حد، خیلی بیشتر است زیرا در اثر اینگونه اعمال ممکن است مردم اسلام را رها کنند و غیر مسلمانان نیز از اسلام و مسلمانان متنفر شوند.

لذا با توجه به اهمیت این موضوع در این مقاله بر آنم تا بر رد جایگاه فقهی و قانونی اجرای مجازاتها در ملاء عام از باب مغایرت این امر با مصالح اسلام و جامعه اسلامی نیز، آن را مورد نقد و بررسی قرار دهم و ضرورت صدور بخشنامه اخیر ریاست محترم قوه قضائیه تبیین گردد. فصل اول - جایگاه اجرای علنی مجازاتها در قوانین جزایی ایران:

در هر کشوری با توجه به وضع اقتصادی، سیاسی، تحولات اجتماعی، آداب و رسوم، اعتقادات مذهبی و به طور کلی آنچه مربوط به ساختار آن جامعه است، در تدوین قوانین کیفری و تعیین نوع مجازاتها و ضمانت اجرای کیفری، سیاست خاصی را دنبال می کنند. از طرف دیگر نظام قضایی اکثر کشورها تحت تأثیر جنبش های سیاست جنایی امروزه مجازاتها و ضمانت اجراهای کیفری را نه برای جزاء بلکه به دلایل اصلاح بزهکار اعمال می نمایند. در حال حاضر اکثر کشورها در تدوین قوانین کیفری و اعمال مجازاتها اهداف زیر را دنبال می کنند، اصلاح و تربیت، درمان بزهکار، پیشگیری عمومی، تسکین آلام زیان دیده از جرم و افکار عمومی. اما سیاست کیفری و

جنایی مورد نظر قانونگذار هر کشوری زمانی منجر به نتیجه خواهد شد که این مجازاتها و ضمانت اجراهای کیفری با روش های صحیح، سنجیده، معقول و منطقی درباری محکوم اجرا شوند. لذا مقنن بایستی ترتیب اجرای احکام جزایی را تبیین نماید که این خود، از نتایج مهم اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتهاست.

در این راستا نظام قضایی کشور ما نیز در تحولات قانونگذاری به نحوی از انحاء ترتیب اجرای احکام جزایی را معین نموده است که البته بسیاری از این قوانین دقیقاً برگرفته از فقه می باشند. با بررسی هایی که بر روی این قوانین و مقررات جزایی انجام شد به این نتیجه دست یافتیم که در زمینه اجرای علنی مجازاتها قوانین جزایی ایران ساکت است و در هر هیچ یک از قوانین و مقررات جزایی آئین نامه ها و تصویب نامه ها اجرای مجازاتها در ملاء عام پیش بینی نشده است. و تنها ماده 101 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 که دقیقاً برگرفته از قواعد فقهی ما می باشد به اجرای حدود در حضور عده ای از مؤمنین اشاره می نماید.

این ماده مقرر داشته است: "مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد و لازم است عده ای از مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند".

موافقین اجرای علنی مجازاتها معمولاً در توجیه نظری خود به همین ماده استناد کرده و چنین استدلال می کنند که هدف قانونگذار از تدوین این ماده تجویز اجرای حدود در ملاء عام می باشد. در حالیکه این ماده دقیقاً برگرفته از فقه می باشد و صراحتاً بحثی از اجرای حد در ملاء عام نمی کند و فقط دلالت بر این دارد که اجرای حد باید در حضور عده ای از مؤمنین باشد. که در بحث جایگاهی فقهی اجرای علنی مجازاتها به طور مفصل در این باره بحث خواهیم کرد.

اما در رابطه با تعزیرات با اینکه در هیچ یک از قوانین و مقررات جزایی در اجرای مجازاتها در ملاء عام پیش بینی نشده است، موافقین اجرای علنی مجازاتها به ماده 290 قانون آئین دادرسی کیفری استناد می کنند که مقرر داشته است که: "محل و چگونگی اجرای حکم شلاق به

تشخیص دادگاه و با رعایت موازین شرعی و حفظ نظم عمومی و سایر مقررات مربوط در حکم تعیین می شود".

و چنین تفسیر می کنند که چون تعیین چگونگی اجرای حکم بر عهده دادگاه صادرکننده حکم می باشد لذا قاضی دادگاه می تواند در صورتیکه مصلحت اقتضاء کند حکم بر اجرای علنی مجازات شلاق صادر کند. و جالب اینجاست که این حکم را به سایر مجازاتها نیز تعمیم می دهند.

شاید بتوان استدلال اینها را تا حدی قابل قبول دانست، اما باید گفت که دست قاضی دادگاه در تعیین چگونگی اجرای حکم کاملاً باز نمی شد و عملاً دو قید مهم که عبارتند از موازین شرعی و حفظ نظم عمومی محدودیت های جدی را در این رابطه ایجاد می کند.

به نظر می رسد در حال حاضر که اجرای علنی مجازاتها با نظم عمومی و مصالح جامعه ما مغایرت شدید دارد و از آنجا که مصالح جامعه اسلامی اولی تر از تمامی مصالح است و نمی توان صدور چنین احکامی را توسط قضات محترم دادگاه موجه دانست. به این ترتیب با توجه به قوانین و مقررات جزایی ایران باید گفت که نظام قضایی و قانونی ما در رابطه با اجرای علنی مجازاتها ساکت است و در این رابطه جایگاه قانون محکمی وجود ندارد. ب) جایگاه اجرای علنی مجازاتها در فقه به طور کلی باید اذعان داشت که عنوان "اجرای حدود در ملاء عام" به شکل موجود اصلاً در فقه مطرح نیست و این اصطلاح یک اصطلاح فقهی نمی باشد و در قوانین شرع نیامده است.

وقتی به منابع فقهی مراجعه می کنیم خصوصاً هنگامیکه مسایل جزایی را بررسی می کنیم نه در کلمات قدماء و نه در کلمات متأخرین، اصلاً موضوعی با عنوان "ملاء عام" نداریم. تنها در مورد حدّ زنا یک آیه داریم که می فرماید: "و یشهد عذابهما طائفه من المؤمنین" یعنی وقتی حدّ زنا اجرا می شود طائفه ای از مؤمنین حضور داشته باشند. بعضی از فقها نیز به استناد این آیه بدون اینکه صراحتاً اشاره ای به اجرای مجازاتها در ملاء عام نمایند چنین بیان نموده اند که بهتر است برای اجرای حد عده ای از مردم را خبر نمود که از اقوال آنها نمی توان در ملاء عام بودن را استفاده کرد.

به طور مثال شهید ثانی معتقد است "هر جا که زنا با اقرار ثابت شود سزاوار است که مردم را خبر کنند و به دلیل عمل به ظاهر امر فقط گروهی از مؤمنین واجب است و ایشان همین نظر را اقوی می دانند".

عملاً ایشان حضور مردم را در هنگام اجرای حد فقط در صورت اقرار زناکار آنهم مستحب می دانند و از وجوب این امر صحبتی به عمل نمی آورند.

محقق حلی در شرایع الاسلام آورده است که "سزاوار است هنگام اجرای حد رجم اعلام کنند تا اینکه مردم بر او حاضر شوند و ایشان معتقدند که واجب است که در هنگام اجرا نمودن حدّ طایفه ای حاضر شوند. و منظور از طایفه را حداقل یک نفر می دانند و چنین استدلال می کنند از آنجا که طایفه یکی از فرق است. به جهت قبول خداوند که می فرمایند "و لو لا نفر من کل فرقه منهم طائفه"

آیه دلالت بر این دارد که اگر از هر جماعت ایشان، طائفه ای مهاجرت کند. پس در اینجا فرقه به معنای جماعت و طایفه را می توان مقابل یک نفر نیز دانست.

البته در مقابل قول شیخ که قائل به یک نفر هستند حسن بصری طائفه را حداقل ده نفر می داند. و ابن ادریس طائفه را حداقل 3 نفر می داند و چنین استدلال می کند زیرا در عرف طائفه جماعت قصد می شود و حداقل جماعت سه نفر است.

شافعی طائفه را حداقل چهار نفر می داند. و عکرمه طائفه را 2 نفر می داند.

به این ترتیب باید گفت که محقق حلی نیز با اینکه بحث از وجوب اجرای حد حداقل در حضور یک نفر می کند، اما در هیچ جا بحثی از اجرای مجازات در ملاء عام ننموده است.

شهید اول در کتاب لمعه چنین بیان می کنند که "در صورتیکه زنا با اقرار زناکار ثابت شود سزاوار است (بر وجه استحباب) که مردم را از وقت سنگسار کردن آگاه کنند تا حاضر شده و عبرت گیرند." باید گفت که شهید اول فقط از باب استحباب بر این امر تأکید دارند و ایشان حضور یافتن

حداقل یک نفر را مستحب می دانند که این امر نیز دلالت بر اجرای حد در ملاء عام نمی کند. شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه بدون اینکه بحثی از وجوب یا استحباب حضور عده ای در هنگام اجرای حد نمایند فقط به این امر اشاره می کند که "در صورتیکه زنا با اقرار ثابت شود و بعد از اینکه امام سنگ می زند مردم سنگ می زنند" که این امر بر حضور عده ای در هنگام اجرای حد می کند.

ایشان نه تنها اجرای علنی مجازات‌ها را مجاز نمی دانند بلکه بحث مفصلی نیز در رابطه با عدم اجرای حد در سرزمین دشمن نموده است.

و در این رابطه به حدیثی از امیرالمؤمنین اشاره می کند مبنی بر اینکه "لا یقام علی احد حدّ بارض العدوّ لا اتم علی رجل حدا بارض العدوّ حتی یخرج منهما مخافه ان تحمله الحمیه فیلحق بالعدو" یعنی اینکه حد را در سرزمین کفر اجراء نکنید زیرا بیم این می رود که عده ای به کفار بپیوندند. شیخ محمد حسن نجفی در این رابطه دو قول را مطرح می کنند: قول اول که قول مشهور می باشد دلالت بر استحباب حضور عده ای در هنگام اجرای حد دارد و قول دوم که قول قیل و ضعیفی است، دلالت بر وجوب حضور جماعتی در هنگام اجرای حد می کند. و سپس ایشان به استناد ظاهر آیه 2 سوره نور چنین بیان می کنند که "هنگام اجرای حد تنها حضور مؤمنین واجب می باشد که ایشان به استناد ظاهر آیه 2 سوره نور چنین بیان می کنند که "هنگام اجرای حد تنها حضور مؤمنین واجب می باشد که ایشان را طائفه را حداقل یک نفر می دانند و حضور یک نفر از مؤمنین را در هنگام اجرای حد کافی می دانند." به این ترتیب با دقت در آرای فقهاء، چنین نتیجه می گیریم که تمامی آنها بحث از وجوب استحباب حضور طائفه ای در هنگام اجرای حد می کنند و هیچ یک از آنها صریحاً به تجویز "در اجرای علنی حد" حکمی نداده است.

اما با این حال موافقین اجرای علنی مجازات‌ها چنین استدلال می کنند که منظور از "طائفه ای از مؤمنین" که در آیه و کلام فقهاء به آن اشاره شده است "ملاء عام" می باشد. در حالیکه اگر به لغت نامه مراجعه کنند خواهند دید که معنی کلمه طائفه بنا بر قول اکثر به سه یا چهار نفر اطلاق



می شود طائفه از طواف است و طواف یعنی اینکه یک یا چند نفر دور هم حلقه بزنند و به اصطلاح یک میزگرد تشکیل دهند و دور هم نشسته باشند.

طواف را هم بدین جهت نامگذاری کرده اند که دور خانی خدا می گردند.

و حتی امام باقر (ع) می فرمایند: "طائفه در آیه یک نفر است، نه چندین نفر". پس اینان از کجای طائفه، "ملاء عام" را استفاده می کنند؟! نکته مهم دیگری نیز در این آیه هست که فاضل مقداد در تفسیر خود یعنی "کنزالعرفان" به آن اشاره کرده است. وی می فرماید: مراد از (من المؤمنین) در این آیه یک قید احترازی است؛ یعنی غیر از مؤمنین دیگران نباشند و فقط افراد مؤمن باشند. تا با دیدن اجرای حد از اسلام متنفر نشوند لذا نباید اشخاصی که صلاحیت ندارند یا سست عقیده اند در وقت اجرای حد حضور یابند.

علاوه بر این، در ردّ اجرای علنی حد به روایتی از امیرالمؤمنین اشاره می کنیم که آمده است، روزی امیرالمؤمنین (ع) در بصره بودند و می خواستند فردی را حدّ بزنند. حضرت متوجه شدند که جمعیت خیلی زیادی جمع شده اند وقتی از علت آن سؤال کردند، گفتند اینها برای نگاه کردن به اجرای حد آمده اند حضرت وقتی نزدیکتر رفتند و قیافه های آنها را دید فرمودند اینها افرادی نادرستند و نباید اینجا باشند و در موقع اجرای نباید اینگونه اشخاص ناظر باشند و فرمودند "لا مرحبا لوه لا تری الا فی کلّ سوء" پس دستور دادند که آنها را دور کنند.

علاوه بر این روایت، روایات دیگری نیز هست که دلالت بر این دارد که پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) تا آنجایی که امکان داشت از اجرای حد جلوگیری می نمودند.

به این ترتیب به استناد این روایات باید بگوییم که در سیره معصومین (ع) نه تنها اجرای حد در ملاء عام مورد تأیید نبوده است بلکه حتی تا جاییکه امکان داشت سعی می کردند که حدود اجرا نشود. (ج) بحث انتقادی

دکتر محقق داماد در تفسیر آیه 2 سوری نور چنین می گویند که در اینجا چند مطلب وجود دارد یکی اینکه از "من المؤمنین" نکته ای که استنباط می شود این است که اگر معنای آیه آن بود که

حدّ در "ملاء عام" اجرا می شود تا دیگران عبرت بگیرند. پس چرا می گویند: "از مؤمنان شاهد باشند؟! باید بگویند در ملاء عام یعنی فاسقان باید ملاحظه کنند تا عبرت بگیرند مؤمنان. مطلب دیگر اینکه منظور این آیه در اصل این است که این کار اجرا شود و چند نفر هم شهادت دهند. بنابراین این بحث ملاء عام و عبرت و حالت ارباب نیست. بلکه مسأله شهادت است که در واقع از یک جهت به نفع متهم است، برای اینکه ادعا نشود حد بر او جاری نشده و بار دیگر بر او حد بزنند.

ایشان در ادامه می گویند اگر بخواهیم آن را در چارچوب حقوق امروزی بیان کنیم، باید بگوییم که یکی از اصول حقوقی این است که مجازات در مقابل جرم است نه بیشتر و نه کمتر. بنابراین کسیکه پنجاه ضربه شلاق حش باشد، اما ضارب پنجاه و یک ضربه بزند، حق قصاص دارد. بردن آبرو نیز یک مجازات اضافی دیگری بر مجازات مجرم است زیرا به این وسیله هم آبروی خودش می رود و هم خانواده اش و عملاً خانواده او هم مجازات خواهند شد.

در کتب فقهی، حفظ آبروی یک انسان جایگاه مهمی دارد. وقتی که شخص در خدمت پیامبر نسبت به مجرمی می گوید: که "مثل سگ کشته شود" آن حضرت برافروخته می شود که چرا این حرف را می زنی؟ اجرای حد حش بود ولی دیگر چرا آبروی او را می بردی؟ پس اسلام هیچ وقت نمی خواهد اگر فردی خطایی کرد، در ملاء عام آبروی او برای همیشه برود. این با مذاق شرع سازگاری ندارد. آن هم شرعی که آبروی مسلمان را مثل خونس محترم می داند و می خواهد آن را حفظ کند. از این ملاء عام، مسلم نیست.

همچنین اصل شخص بودن مجازات این است که خودش باید مجازات شود اما در ملاء عام مجازات کردن یعنی تمام افراد خانواده اش را مجازات کردن.

بنابراین با توجه به مباحثی که مطرح شد باید گفت که شکی نیست، اصل اجرای حد امری است که از دوره های نخستین فقهی به عنوان یک مسأله مهم مطرح بوده است. اما مسأله مهم این است که کیفیت اجرای حد به چه نحو است سؤالات متعددی در رابطه با اجرای حد مطرح است از

جمله اینکه آیا اصلاً مجاز به اجرای حد در زمان غیبت معصوم هستیم؟ اگر مجاز هستیم آیا حتماً باید به دست مجتهد جامع شرایط باشد. در این رابطه دو قول بسیار قوی وجود دارد که هر دو طرف می گویند مشهور این است در حالیکه معلوم نیست که مشهور کدام است. طرفداران اجرای حدود از جمله صاحب جواهر به روایتی استناد می کند که می فرمایند "اجرای حد بر مجرم بهتر از چهل شبانه روز باران است"

پس ایشان می گویند که اگر ما اجرای حدود را مختص به زمان معصوم بدانیم، تعطیل حدود لازم می آید و با این روایت مخالف است. در نتیجه در زمان غیبت معصوم اجرای حد با مجتهد جامع شرایط است.

در پاسخ، مخالفین اجرای حد در زمان غیبت معصوم از جمله آیت الله خوانساری در کتاب جامع المدارک چنین پاسخ می دهند که بسیار خوب اگر معصوم نباشد و مجتهد جامع شرایط نیز نباشد آیا شما اجازه می دهید که مردم عادی حدود را اجراء کنند.

ایشان در ادامه می گویند درست است حدود را نمی توان تعطیل کرد اما زمانیکه معصوم نیست حد باید تبدیل به تعزیر شود. تعزیر هم یعنی "ما بید الحاکم" حاکم هر چه مصلحت دانست، وفق زمان مجازات کند. البته این به هیچ وجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات مخالفت ندارد. و به این معنا نیست که حاکم برای هر عمل که مصلحت دید می تواند تعزیر کند بلکه از قبل باید اعلان کند که ما از این پس برای فلان عمل، تعزیر می کنیم.

و اینکه در روایت آمده "حدود خدا باید اجراء شود" مراد از حدود قوانین و احکام خداوند است نه حدود در قبال قصاص و رعایت اسلام دو معنی دارد: یکی به معنای اصطلاح خاص و یک حدّ به معنای قوانین خداوند است.

به این ترتیب دو قول مشهور یکی این است که اجرای حدود از مناصب خاص معصوم است و نظر مقابل آن اینکه فقیه عادل جامع جمیع شرایط فتوا در تمام ابعاد فقهی نیز می تواند این کار را

بکند. وقتی که فقیه جامع شرایط وجود ندارد می توان به استناد قاعدی درء که مقرر می کند "الحدود تدرأ بالشبهات" حد را در این موارد اجراء ننمود.

به این ترتیب باید گفت که بر اساس نظر دوم حتی اگر اجرای حد را در زمان غیبت معصوم قابل اجراء بدانیم، شکی نیست که شرایط اثبات و احراز و اجرایش بسیار سخت می باشد که ما موظف به تأمین این شرایط نمی باشیم.

زیرا اسلام می خواهد پیشگیری و تربیت کند نه اینکه در پی ارباب و تهدید مردم باشد در نتیجه به نظر می رسد که اجرای حد به عنوان آخرین راهکار است علاوه بر این ما نمی توانیم نقش مصالح اسلام و جامعه اسلامی را در اجرای حدود نادیده بگیریم و از منابع اسلامی اینطور برمی آید که یقیناً مصالح کل اسلام و نظام اسلامی ارجح و حاکم بر همه چیز است. در روایتی از امیرالمؤمنین که قبلاً هم ذکر شد آمده که اگر شخص مسلمانی در دارالکفر مرتکب عمل شد حد را بر او جاری نکنید زیرا این خطر وجود دارد که به دشمن ملحق شود. بنابراین اگر قرار است که به استناد اختیارات ولی مسلمین حکومت کنیم باید مصالح حکومت را هم در نظر بگیریم.

و عزت و مصلحت جامعه اسلامی در رأس امور و حاکم بر بسیاری از احکام فرعی است. فقیه امروز اجازه ندارد حد را تعطیل کند ولی نکته ای که باید به آن توجه نماید اینکه گاهی مصالح عامی مسلمانان عدم اجرای حد را می طلبد که این امر می شود جزء شرایط اجرای حد و برای فقیه این مسأله مطرح می شود که الآن این شرایط فراهم نیست.

خصوصاً در شرایط فعلی که چشم دشمنان اسلام به این امر دوخته شده است که ببینند در نظام اسلامی ما چه می گذرد تا آن را در بوق کنند و با تبلیغات گسترده خود چهره زشت و ترسناکی نظام نشان دهند اجرای مجازاتها در ملاء عام اصلاً به مصلحت نیست.

با این وجود چند سال قبل برای مدتی بعضی از مجازات ها از جمله مجازات اعدام و حد رحم و جلد در ملاء عام اجراء شد. که می گویند مستند آن بخشنامه این بوده است که متأسفانه با پیگیری های مکرر اینجانبان امکان دسترسی به آن فراهم نشد. اما در یکی از بخشنامه ها ریاست

محترم قوه قضائیه در جهت تشدید مبارزه با تهیه و توزیع و مصرف کنندگان مواد مخدر و با عنایت در جهت سالم سازی اجتماع، حکم بر اجرای تعزیر در ملاء عام جهت عبرت سایرین دادند. این در حالیست که بخشنامه شماره 9/65/ب/ش/مصوب 1365/3/1 همچنان به قوت خود باقی بود و هیچ مرجعی از ابطال این بخشنامه و بلااثر بودن آن صحبتی به میان نیاورد.

در این بخشنامه رئیس وقت شورای عالی قضایی آیت الله موسوی اردبیلی بیان کردند که: "در لازم است کلیه دادرها و دادگاه ها توجه اکید به این مطلب نمایند که جز در مواردیکه قانوناً ملزم هستند از صدور چنین احکامی که باید در ملاء عام اجراء شود خودداری ورزند. و دادرها نیز در اجرای احکام در ملاء عام و به اجتماع حداقل افراد در محل دادرها یا کلانتریها یا زندانها و محل های نظیر آن اکتفاء نموده از اجرای حکم به ابتکار شخصی در صحن یا مقابل دبیرستانها و اماکن نظیر آن موکدا خودداری نمایند و بر رعایت این مقررات از سوی ضابطین و مأمورین اجراء نیز مراقبت دقیق نمایند.

با این وجود رئیس محترم قوه قضائیه بنا به مصالحی در جلسه مسئولان شورای عالی قضایی بر قانونمندشدن برخورد با مفسد اجتماعی تأکید کرده و افزودند در قانونمند شدن اجرای حدود در ملاء عام و برخورد با جرایم به این است که اگر مجرمی در جامعه اسلامی هتک حرمت کرده و عواطف عمومی را جریحه دار کرده است در ملاء عام به مجازات برسند و این حق مردم است. همچنین ستاد مبارزه با مفسد اجتماعی را ملزم کردند که احکام را در ملاء عام به گونه ای اجرا کنند که آثار پیشگیری و بازدارندگی داشته باشد ایشان همچنین فرمودند: "در همه کشورها مبارزه با اینگونه مفسد امری ملی و انسانی است" و با اشاره به اجرای احکام در ملاء عام فرمودند: "بنا به گزارش دادگستریها کسانی که امروز در ملاء عام به مجازات می رسند. قاتلان اشرار و مفسدانی هستند که با جرایم متعدد و مکرری که مرتکب شده اند و یا با ارتکاب شرارتها محیط اجتماعی را ناامن کرده اند." درست است که ایشان در بیان این توصیه ها مصلحت را در نظر داشتند اما متأسفانه تعدادی از محاکم دادگستری به استناد این توصیه ها بدون رعایت شرایط و ترتیبات کیفیات اجرای حکم و مصالح نظام اقدام به اجرای احکام کیفری بدنی از مجله شلاق،

اعدام و قصاص نموده اند. که اجرای این احکام در بعضی از اماکن از جمله اماکن و سالنهای ورزشی و یا در مقابل مدارس و یا در محیط های نظامی صورت گرفت است که اثرات شدیداً نامطلوبی را بر جای گذارده است.

و باعث سوء استفاده و بهره برداری شدید تبلیغاتی عناصر ضد انقلاب خصوصاً منافقین گردیده است و رسانه های بیگانه با نشان دادن این صحنه ها چهری وحشتناکی از نظام را نشان داده اند. که این امر با اعتراضات شدید جامعه جهانی خصوصاً سازمان های حقوق بشری و NGO ها گردید. و رادیوهای بیگانه نیز با انعکاس اخبار در اجرای حدود در ملاء عام به چاشنی عاطفی آن را به حدی زیاد کردند که مخاطبین، عمل اجرای حد را به صورت یک عمل وحشیانه تصور کنند و با عباراتی همچون "این امر با ابراز تصرف و اعراض و هم رو به رشد" و یا اینکه "صدها ناظر پریشان ایستاده بودند و اشک می ریختند" و عبارت امثال آن به مقصود خود دست یافته اند.

در سطح داخلی نیز طی یک طرح نظرسنجی که از شهروندان تهرانی در خصوص اجرای احکام مجازات اسلامی در ملاء عام توسط "مرکز افکارسنجی دانشجویان ایرانی معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی" به دست آمده چنین استنباط می شود که تقریباً نیمی از افراد جامعه ما با این امر موافق نبود و آن را عاملی مضر برای نشان دادن چهره ای خشن از اسلام و جامعه اسلامی می دانند.

آمار مذکور به شرح ذیل می باشد:

9/51 - 1 درصد از افراد مسجد موافق این امر و آن را مانع اجرای مجدد مجازاتها می دانستند.

9/45 - 2 درصد از شهروندان و 38/7 درصد از افراد مسجد آن را عاملی را نشان دادن چهری خشن دین اسلام می دانستند.

40 - 3 درصد از شهروندان و 59/6 درصد از افراد مورد مطالعه در مسجد آن را اجرای احکام حدود الهی می دانستند.

6/58 - 4 درصد از شهروندان و 52 درصد از افراد مورد مطالعه در مسجد این امر را عامل برای نشان دادن چهره خشنی از ایران و جامعی بین المللی می دانستند.

7/46 - 5 درصد از شهروندان و 47/7 درصد از افراد مسجد معتقد بودند این امر حس ترحم و همدردی نسبت به مجرم را برمی انگیزاند.

در هر حال باید گفت که با توجه به اعتراضات شدید داخلی و بین المللی به این امر، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در 14 شهریور 1380 گزارشی را صادر نمود، که تا حدی منجر به توقف اجرای علنی مجازاتها شد جمع بندی نظرات مطروحه در این نشست به شرح ذیل می باشد. الف) در اجرای حدود الهی هیچ تردیدی وجود ندارد اما در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان ضروری اجتناب ناپذیر است.

ب) اجرای علنی احکام در تهران به مدت ده روز به طور خودسرانه و بدون هماهنگی با مقامات و نهادهای مسئول از سوی مجتمع قضایی ارشاد و توسط افرادی با لباس شخصی و نقاب دار به مرحلهی اجراء نهاده شد. که این اقدامات فعلاً متوقف شده است.

ج) در آن زمان هیأتی مرکب از آقایان علیزاده رئیس کل دادگستری تهران، سردار حجازی فرمانده بسیج و سردار قالیباف فرماندی نیروی انتظامی تنها در موارد زیر مجوز اجرای احکام را در ملاء عام صادر می نمودند.

- 1 اجرای احکام علیه ارادل و اوباش سرشناس در منطقه ای که شرارت می کنند.
- 2 اجرای احکام علیه کسانیکه شرب خمر کرده و آسایش مردم را به هم می زنند.
- 3 کسانیکه به کرات برای نوامیس مردم در اماکن عمومی ایجاد مزاحمت می کنند.

نتیجه نشست آن کمیسیون به قرار ذیل است:

- 1 در ضرورت اجرای حدود و تعزیرات تردیدی وجود ندارد. اما توجه به شرایط، زمان و مکان در اجرای احکام نیز اجتناب ناپذیر است.

2- پیشنهاد می شود سران محترم سه قوه با شورایی عالی امنیت ملی مسأله اجرای احکام در ملاء عام در دستور کار خود قرار دهند و قبل از آن به هیئت ویژه ای مرکب از کارشناسان و خبرگان نهادهای اجرایی - قضایی و مدنی مأموریت دهند مطالعه ای جامع درباری آثار و پی آمدهای اجرای علنی احکام دهند و در مواردی که نتیجه گزارش مثبت بود روال فعل ادامه یابد و اگر جواب منفی بود ادامه ندهند.

با عنایت به مستندات و دلایل صدرالذکر و با توجه به انعکاس منفی اجرای علنی مجازاتها در سطح داخلی و خصوصاً در سطح بین المللی و سوء استفاده های تبلیغاتی دشمنان اسلام از این امر، و مغایرت این امر با مصالح نظام، مصلحت در این بود که در این رابطه تأمل نموده و تا حد امکان از اجرای مجازاتها در ملاء عام خودداری گردد و بخشنامه مثبت اخیر الصدور ریاست محترم قوه قضائیه قطعاً اثرات مطلوبی را در پی خواهد داشت و به حق لازم و ضروری بود.